

بررسی نگرش مادران به کاربرد فناوری در آموزش زبان انگلیسی فرزندان

مهرک رحیمی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۹

معصومه حسینی^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۸/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش مادران ایرانی به آموزش زبان انگلیسی فرزندانشان با استفاده از فناوری است. صدو هیجده خانم متأهل دارای فرزند با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نگرش آنان به استفاده از رایانه جهت آموزش زبان انگلیسی فرزندانشان توسط پرسشنامه‌ی محقق ساخت و با در نظر گرفتن سه جنبه شامل آموزشی، عاطفی و اقتصادی ارزیابی گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون تی و محاسبه ضریب همبستگی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مادران به طور کلی به استفاده از فناوری برای آموزش زبان انگلیسی نگرشی مثبت دارند. این نگرش در دو جنبه آموزشی و اقتصادی به‌طور معناداری از میانگین نظری (۳) بالاتر است. اما در جنبه عاطفی این نگرش نه مثبت و نه منفی است. تفاوت نگرش مادران با در نظر گرفتن تحصیلات و وضعیت اشتغال به‌طور کلی معنادار نبود ولی تفاوت نگرش با در نظر گرفتن سه جنبه نشان داد که مادرانی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند به جنبه عاطفی کاربرد رایانه بیشتر نگرش مثبت دارند. در عین حال، در جنبه‌های آموزشی و اقتصادی هیچ تفاوتی بین مادران با تحصیلات دانشگاهی و مادران دیپلمه مشاهده نشد. بررسی تفاوت نگرش مادران با توجه به وضعیت اشتغال آنها نشان داد که هیچ تفاوتی بین نگرش کلی و سه جنبه نگرش بین مادران شاغل و

۱- استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نویسنده مسئول)

mehrakrahimi@yahoo.com

۲- دبیر زبان انگلیسی، آموزش و پرورش ناحیه ۴ قم

خانه‌دار وجود ندارد. محاسبه ضریب همبستگی نشان داد که هیچ ارتباطی بین نگرش‌ها به‌طور کلی و جنبه‌های آن با سن مادران و تعداد فرزندان آنان وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش بیانگر نظر نسبتاً مثبت مادران در به استفاده از فناوری در یادگیری فرزندانشان است که می‌تواند راهگشای نظام آموزش و پرورش در جهت توسعه آموزش مبتنی بر فناوری (مانند آموزش الکترونیکی) باشد. یافته‌ها هم بر ضرورت برقراری دوره‌های آشنا سازی مادران ایرانی با فواید فناوری در آموزش تأکید دارد.

کلید واژه: مادران، آموزش زبان انگلیسی، فناوری، نگرش

مقدمه

بدون شک رشد و تکامل شخصیتی و اجتماعی انسان تحت تأثیر خانواده و متغیرهای مربوط به آن نظیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، باورها و نگرش‌های اعضای خانواده، سطح تحصیلات و شغل پدر و مادر و ارتباط والدین با یکدیگر و با فرزندان قرار دارد.

اما در خانواده نوع ارتباطی که فرزندان با پدران و مادران برقرار می‌کنند یکسان نیست. فرزندان عموماً مسائل مربوط به امور منزل، خرید، مدرسه و مسائل بغرنج احساسی را با مادر خود در میان می‌گذارند (رونکا^۱ و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از پارکولا^۲، ۲۰۰۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مادر مهمترین تأثیر را بر فرزندان دارد و در تربیت فرزند و شکل‌گیری شخصیت آنها نقش محوری ایفا می‌کند (کرچمار، ۲۰۰۲). در بسیاری از خانواده‌ها مادران بیشترین مسئولیت را در خانه به عهده دارند و علاوه بر انجام امور خانواده عملاً به عنوان حلقه مرکزی ارتباط اعضای خانواده نیز محسوب می‌شوند. بخش عمده تربیت کودک برعهده مادر است. او بیشترین ساعات را با فرزندان خود می‌گذراند (حسینی و خضرلو، ۱۳۸۸) در نتیجه از همان کودکی رابطه عاطفی محکمی بین مادر و

1- Ronka
2- Parkkola

فرزند برقرار می‌شود. به همین علت در اغلب خانواده‌ها تأثیر مادران در خلق و خوی کودکان بیشتر از پدران است (حسینی و خضرلو، ۱۳۸۸).

ارتباط مادر با فرزندان نتایج بلند مدتی دربردارد و در دوران جوانی و نوجوانی و حتی بزرگسالی در بررسی و فهم رفتارهای افراد موثر است (درویزه، ۱۳۸۲). میزان تحصیلات مادر و شاغل بودن وی بر انتخاب شغل و رشته تحصیلی فرزندان موثر است (اسمیت، ۲۰۰۰). مادران به عنوان الگوی رفتاری برای فرزندان خصوصاً فرزندان دختر نقش اساسی دارند (گرس، ولازگوئز و همکاران، ۲۰۰۹) و برخورد مثبت و منطقی آنان در شکل‌گیری نگرش مثبت فرزندان به دروس مختلف مانند ریاضی و کارکرد آن موثر است (صمدی، ۱۳۸۶).

با وجود آنکه نقش مادر در مسائل تحصیلی و شخصیتی فرزندان نظیر نگرش ریاضی (صمدی، ۱۳۸۶)، کمال‌گرایی (شریفی، نیکنام و گیوه‌چی، ۱۳۹۰)، حل مسئله (شکوهی‌یکتا و پرنده، ۱۳۸۷)، سازگاری (حسینی و خضرلو، ۱۳۸۸)، مشکلات رفتاری (ترک، ملک‌پور و گلپور، ۱۳۸۷) و پیشرفت تحصیلی (امین‌زاده و سرمد، ۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است، این نگرش در مورد مسئله مهمی مانند استفاده از فناوری و ابزار آن در امر آموزش در کشور ما مغفول مانده است. این نگرش یکی از عواملی است که سال‌ها توجه پژوهشگران حوزه فناوری را به خود معطوف کرده است. براساس مدل پذیرش فناوری یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر استفاده از فناوری در فرآیند یادگیری نگرش مثبت و یا منفی کاربر به ابزار فناوری و میزان ارزشمند بودن آن در امر یادگیری و یاددهی است (دیویس، ۱۹۹۸). در حالی‌که نگرش مثبت پیش‌بینی‌کننده و تسهیل‌کننده استفاده از فناوری در امر آموزش است، نگرش منفی به فناوری می‌تواند با ایجاد

احساس ترس و اضطراب سبب اجتناب از به‌کارگیری فناوری و ابزار آن گردد و به‌طور جدی بر تصمیم‌گیری‌های فرد در استفاد از فناوری تأثیر گذارد.

نگرش مثبت یا منفی به فناوری، با مسائل اجتماعی و فرهنگ استفاده از فناوری ارتباط مستقیم دارد (شعبانی و مختاری، ۱۳۸۷) که تحت تأثیر دسترسی و میزان استفاده از فناوری در مدرسه و خانه، سواد و مهارت های رایانه‌ای کاربر و اعضای خانواده و خصوصاً نگرش والدین به مفید بودن فناوری بستگی دارد (میلیسن و درنت^۱، ۲۰۰۸).

از آنجا که هزینه خرید رایانه شخصی، تجهیزات جانبی، نرم افزار و اتصال به شبکه به‌عهده خانواده است و کسب اجازه برای استفاده از رایانه و استمرار کارکردن با آن به نظر خانواده به‌خصوص مادر خانواده بستگی دارد، چنانچه مادران و پدران به سطح آگاهی‌های لازم در مورد ارزش استفاده از فناوری در آموزش فرزندانشان نرسیده باشند، نه تنها امکانات مورد نیاز برای استفاده از فناوری را برای فرزندانشان فراهم نمی‌کنند، بلکه با بیان دید و نگرش منفی خود سبب ایجاد نگرش منفی در فرزندان نیز می‌شوند. نتیجه این نگرش منفی اجتناب دانش آموزان از استفاده از فناوری در امور درسی و محروم ماندن از محاسن فناوری در آموزش است. علاوه بر این ارتقای نگرش مادران به فناوری منجر به استفاده بیشتر آنان از فناوری گردیده و یکی از موانع مهم در راه استفاده از ابزارهای فناوری برای تحقق اهداف مختلف رفع می‌گردد. این امر می‌تواند زمینه آشنایی مادران با منابع آموزشی و کمک‌آموزشی الکترونیکی مفید در آموزش و یادگیری فرزندان را فراهم نماید. در این راستا پژوهش حاضر پرسش‌های زیر را پاسخ خواهد داد:

۱- مادران چه نگرشی نسبت به استفاده از فناوری برای آموزش زبان فرزندانشان دارند؟

۲- آیا میان نگرش مادران به استفاده از فناوری برای آموزش فرزندانشان با تحصیلات و وضعیت اشتغال آنها ارتباطی وجود دارد؟

۳- آیا میان نگرش مادران به استفاده از فناوری برای آموزش فرزندانشان با سن مادران و تعداد فرزندان ارتباطی وجود دارد؟

مادران و فناوری

مقوله مادران و فناوری از دو جنبه قابل بررسی است، مادران به عنوان کاربر فناوری، و دوم مادران به عنوان مسئول تعامل فرزندان با فناوری.

موضوع مادران به عنوان کاربر فناوری در حیطه رابطه جنسیت و فناوری قرار می‌گیرد. سال‌ها تعامل زنان و دختران با فناوری به عنوان یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات پژوهشی مورد توجه محققان بوده است. بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که تفاوت رفتارهای افراد در مقابل فناوری اساساً به شکاف جنسی دیجیتال مربوط می‌شود که به معنی محرومیت زنان از فناوری و کاربردهای آن است (رحیمی و یداللهی، ۱۳۹۰). بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حیطه فناوری در تسلط مردان است و زنان در حیطه‌ها و شغل‌هایی که به استفاده از فناوری مربوط می‌شود کمتر به فعالیت می‌پردازند (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۳). علاوه بر آن زنان کاربر در قیاس با مردان کمتر به فناوری و کاربردهای آن نگرش مثبت دارند (کوپر، ۲۰۰۶) و به همین علت کمتر از رایانه استفاده می‌کنند (کالی و کمبر، ۲۰۰۳). تفاوت‌های رفتاری بین زنان و مردان در تعامل با فناوری نیز گزارش شده است. به عنوان مثال بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشتر به فناوری‌هایی علاقه دارند که برای برقراری ارتباط یا برای هدف خاصی

به کار می‌روند (سیتونن^۱ و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از پارکولا، ۲۰۰۶) اما مردان فناوری را بیشتر برای تفریح و سرگرمی مورد استفاده قرار می‌دهند (هو^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). انتخاب ابزار فناوری نیز با جنسیت در ارتباط است و تفاوت‌هایی بین استفاده مردان و زنان از ای-میل و فرستادن پیامک مشاهده شده است بدین معنی که زنان از هر دو سرویس بیش از مردان استفاده می‌کنند (پارکولا، ۲۰۰۶). تفاوت‌های جنسیتی حتی در نحوه صحبت کردن افراد در مورد فناوری نیز آشکار است. زنان به راحتی و بدون توجه به اصطلاحات درباره فناوری صحبت می‌کنند ولی مردان به ویژگی‌ها و ریزه‌کاری‌های فناوری توجه بیشتری می‌کنند و اصرار دارند که از اصطلاح صحیح استفاده نمایند (هو و همکاران، ۲۰۰۶).

کوپر و ویور (۲۰۰۳) ریشه این نوع تفاوت‌ها را مرتبط به فرآیند اجتماعی شدن جنس مونث و برخوردهای تبعیض آمیز با آنان در محیط‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه و محل کار می‌دانند. در عین حال باید خاطر نشان کرد که دسترسی اقشار مختلف جامعه به رایانه و وجود رایانه در خانه می‌تواند بر شکل‌گیری نگرش کودکان نسبت به رایانه تأثیر بگذارد و سبب از بین رفتن تبعیض در استفاده از رایانه گردد (پوینتون، ۲۰۰۵). دومین جنبه رابطه مادران با فناوری به مدیریت آنها بر نحوه استفاده و تعامل فرزندان با فناوری برمی‌گردد. پارکولا (۲۰۰۶) با بررسی همه جنبه‌های نگرش مادران به فناوری دریافت که مادران معتقدند فناوری خوب فناوری است که مفید باشد، به راحتی بتوان از آن استفاده کرد و نحوه کار با آن به راحتی قابل یادگیری باشد. علاوه بر این مادران به عنوان کنترل‌کننده رفتار فناوری خانواده عمل می‌کنند و تعیین می‌کنند که چه

1- Siitonen
2- Hou

فناوری می‌تواند با اطمینان و طیب خاطر به خانه وارد شده و مورد استفاده اعضای خانواده قرار گیرد.

سیتونن و همکاران (۲۰۰۲، به نقل از پارکولا، ۲۰۰۶) در پژوهشی از خانواده‌ها خواستند میزان علاقه خود نسبت به استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات را بیان کنند. نتایج نشان داد که علاقه فرزندان و پدر خانواده به علائق مادر خانواده بسیار نزدیک است. آنان به این نتیجه رسیدند که مادران رهبران نگرش به فناوری در خانواده محسوب می‌شوند. این بدان معنی است که مادران الگو و راهنمای فرزندان خود هستند و نگرش آنان نسبت به فناوری بر نگرش فرزندان‌شان تأثیر می‌گذارد. علاوه براین، نقش مادران و میزان تحصیلات آنان در برانگیختن علاقه فرزندان به انتخاب مشاغلی که با فناوری اطلاعات در ارتباط است به اثبات رسیده و نشان می‌دهد که نگرش مادران تأثیر مثبتی بر علاقه فرزندان بر فناوری می‌گذارد (میلیزسزوسکا و استندور، ۲۰۱۰).

از آنجا که عموم پژوهش‌ها بیانگر این مطلب است که نگرش مادران به‌طور کلی به فناوری منفی است (اکسمن و رایتانین^۱، ۲۰۰۳)، برای ارتقای سطح نگرش مادران، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و روبه‌توسعه به دنبال ارائه آموزش‌های سازنده به مادران در جهت هدایت رفتاری‌های مربوط به فناوری فرزندان‌شان هستند (پارکولا، ۲۰۰۶). زیرا نتایج اجرای این کارگاه‌های آموزشی نشان داده است که خودکارآمدی فناوری اطلاعاتی، نگرش و حتی میزان استفاده از فناوری مادران با تمرین و آموزش مستقیم افزایش می‌یابد (هارتزل، ۲۰۰۳).

مزایای آموزش با فناوری

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که هدف از کاربرد فناوری در آموزش متحول کردن نظام‌های آموزش و پرورش و در نهایت آماده کردن دانش‌آموزان و دانشجویان برای عصر اطلاعات به عنوان نیروی متخصص ماهر برای جامعه و اقتصاد جهانی است (آلبیرینی^۱، ۲۰۰۶). یکی از علل اصلی استفاده از فناوری در فرآیند یاددهی - یادگیری مزایای آن در فردی سازی^۲ آموزش، افزایش یادگیری و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و وقت دانش‌آموزان است. پژوهشگران استفاده آموزشی از رایانه و ورود آن به خانه و مدرسه را مصادف با آغاز یک انقلاب آموزشی قلمداد می‌کنند. آنان اعتقاد دارند که رایانه علاوه بر یک منبع آموزشی برای تقویت و توسعه فرایند یاددهی - یادگیری در مدارس، می‌تواند نقش یک منبع یادگیری مستقل، خود آموز و رونق بخش رویکرد «تداوم یادگیری» را برای دانش‌آموزان ایفا کند. در واقع، با بهره‌گیری منطقی از این ابزار آموزشی می‌توان آموزش و یادگیری را از درون کلاس و مدرسه به منازل و محیط‌های خارج از مدرسه انتقال داد. علاوه بر این، رایانه این توانایی را دارد که بازوی مدیریت نظام آموزش و پرورش - هم در ابعاد مدیریت کلان نظام و هم مدیریت کلاس و مدرسه - باشد (عباسی، ۱۳۸۸). فتحیان و مهدوی نور (۱۳۸۶، ص ۱۲۲) مزایای استفاده از فناوری در آموزش را به شرح زیر می‌دانند:

- حذف محدودیت زمان و مکان و به عبارت بهتر امکان یادگیری در هر مکان و زمان،
- امکان یادگیری در هر سن،
- کاهش هزینه تحصیلی نسبت به روش‌های سنتی،

1- Albirini
2- Individualization

- دسترسی ساده به منابع آموزشی جدید،
- تحقق عدالت در نظام آموزشی،
- امکان یادگیری مشارکتی بدون هیچ حد و مرز جغرافیایی،
- یادگیری انتخابی دوره‌های آموزشی.

عابدینی و فراهی (۱۳۸۸) مزایا و فوائد آموزش‌های مبتنی بر فناوری را از دو منظر بررسی می‌کنند. آنها معتقدند که مزایای این نوع آموزش‌ها برای سازمان‌ها و مراکز آموزشی عبارتند از: کاهش هزینه‌ها، ارتباط گسترده بین معلمان و دانش‌آموزان، سهولت دسترسی به اطلاعات موجود در جهان در مدت زمان کوتاه، ارتقای کمیت پذیرش دانش‌آموز و دانشجو و کیفیت یادگیری، اجرای سریع‌تر اموراتاداری، استفاده از شیوه‌های متنوع آموزش و به‌روز رسانی سریع‌تر و ساده‌تر محتویات آموزشی. مزایای این نوع آموزش‌ها برای استفاده‌کنندگان عبارت است از: کاهش هزینه‌ها، تعامل بیشتر با معلمان، افزایش اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری و افزایش حس ابتکار و کنجکاوی، تعیین جهت سرعت و پیشرفت و بهره‌گیری از منابع الکترونیکی متنوع مانند کتابخانه‌های دیجیتال.

استفاده از فناوری در آموزش زبان انگلیسی

نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از رایانه در آموزش زبان، فرآیند یاددهی-یادگیری آن را تسریع می‌کند. لیو^۱ و همکاران (۲۰۰۳) با مرور ۲۴۶ مقاله منتشر شده بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به این نتیجه رسیدند که استفاده از رایانه در آموزش زبان انگلیسی رشد چشمگیر و موثری داشته است. علت آن، این است که یادگیری زبان خارجی با یادگیری موضوعات درسی دیگر تفاوت دارد و مهم‌ترین ویژگی آن جنبه اجتماعی بودن و برقراری ارتباط است.

1- Liu

استفاده از فناوری‌های جدید مانند نرم افزارهای چند رسانه‌ای و اینترنت می‌توانند برقراری این ارتباط را تسهیل کرده و استفاده از مهارت‌های آموخته شده را برای زبان‌آموزان میسر نماید. به همین علت یکی از نتایج انکارناپذیر استفاده از فناوری در آموزش زبان، افزایش یادگیری است. مرور پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که استفاده از رایانه در آموزش زبان در مقوله‌های زیر موثر است:

- ۱- خواندن: استفاده از کتاب‌های الکترونیکی^۱ و متون اصیل^۲ برگرفته از وبسایت‌های معتبر مانند دانشنامه‌ها و روزنامه‌های الکترونیکی.
- ۲- نگارش: استفاده از رایان نامه^۳، وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها (اسمیت، ۲۰۰۳).
- ۳- شنیدن: استفاده از کتاب‌های صوتی^۴، سخنرانی‌ها و فیلم‌ها (اسمیت، ۲۰۰۳).
- ۴- تلفظ: استفاده از برنامه‌های آموزش نظری و انیمیشن جهت آموزش نظام آوایی زبان انگلیسی (هنسون-اسمیت^۵، ۲۰۰۲).
- ۵- لغت: استفاده از بانک‌های لغت^۶، توده‌های زبانی^۷، فرهنگ لغات رایانه‌ای و روش واژگانی^۸ برای افزایش سرعت یادگیری لغت (رحیمی و یداللهی، ۱۳۸۷).
- ۶- دستور: استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری و منابع برخط (بلز^۹، ۲۰۰۴).

-
- 1- E-books
 - 2- Authentic
 - 3- E-mail
 - 4- Audio books
 - 5- Hanson-Smith
 - 6- Word banks
 - 7- Corpora
 - 8- Lexical Approach
 - 9- Belz

استفاده از ابزار فناوری مانند رایانه و نرم افزارهای چندرسانه‌ای دارای فواید دیگری در قیاس با کلاس‌های چهره به چهره^۱ زبان می‌باشد که به اختصار بیان می‌گردد:

الف- آموزش الکترونیکی برای ارائه محتوای عناصر اطلاعاتی با قالب‌های متفاوت نظیر: متن، ویدئو، صدا، انیمیشن، گرافیک و محیط‌های مجازی و یا شبیه‌سازی شده، استفاده می‌نماید. نرم‌افزارهای آموزشی چندرسانه‌ای براساس جذابیت بصری و صوتی که ارائه می‌کنند، در میزان یادگیری افراد به خصوص کودکان سهم بالایی را دارند و بر خلاقیت آنها تأثیر می‌گذارند (سلام زاده، ۱۳۸۸).

ب- آهنگ فراگیری در سیستم‌های آموزش رایانه‌ای از یک روند مشخص و نظام‌مند تبعیت کرده و مخاطبان خود را با هر نوع سلیقه و گرایش به سرعت جذب می‌نماید (بتی^۲، ۲۰۰۳).

ج- تفاوت‌های فردی مسئله‌ای است که فکر اندیشمندان تعلیم و تربیت را برای مدت‌های طولانی به خود مشغول کرده است و همه آنان تلاش می‌کنند با توجه به محدودیت منابع، به نوعی این مشکل را از سر راه تعلیم و تربیت بردارند. تفاوت‌های فردی، در واقع مانعی برای موفقیت آموزش گروهی در مدارس و همچنین کلاس‌های مکالمه زبان است. بدون شک تا حل نشدن این مشکل، زمینه‌های مساعد برای آموزش فردی وجود نخواهد داشت. اما رایانه به علت انعطاف‌پذیری زیاد و تطبیق مواد آموزشی با نیازهای فردی دانش‌آموز و ارائه روش‌های مختلف برای آموزش یک مفهوم، تفاوت‌های یادگیری در افراد مختلف را مدنظر قرار می‌دهد. تطبیق مواد آموزشی با نیازهای فردی به

1- Face to face
2- Beatty

این معناست که نه تنها دانش‌آموز سرعت یادگیری خود را کنترل می‌کند بلکه در مورد اینکه چه چیزی را و چگونه یاد بگیرد نیز تصمیم‌گیری می‌کند (هنسون-اسمیت، ۲۰۰۲).

د- رایانه به فراگیران این امکان را خواهد داد تا هر فرد با توجه به مسائل و توانایی‌های خود، زمان یادگیری خود را مشخص نماید. در چنین مواردی، در صورتی که فراگیران به دلایلی، چند روزی از سیستم استفاده نکنند و از آموزش دور باشند، پس از برطرف شدن مشکلات، مجدداً قادر به ادامه آموزش خواهند بود.

ه- از رایانه می‌توان به عنوان یک «معلم صبور» یاد کرد چرا که دانش‌آموز می‌تواند یک تمرین و فعالیت را آنقدر تکرار کند تا تسلط لازم را کسب کند این امر اغلب در کلاس‌های حضوری امکان‌پذیر نمی‌باشد (بتی، ۲۰۰۳).

و- دانش‌آموز می‌تواند بازخورد فردی عملکرد خود را به طور مداوم و فوری از رایانه دریافت کند.

ز- رایانه با ایجاد «فضایی خصوصی» احساس راحتی بیشتری برای دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی ایجاد می‌کند. بنابراین استفاده از رایانه برای آموزش زبان این امکان را فراهم می‌کند که فراگیر بدون اضطراب به یادگیری بپردازد.

با توجه به گسترش روزافزون کاربرد فناوری و به‌خصوص رایانه در فرآیند یاددهی و یادگیری و تاثیر آن بر افزایش یادگیری و کاهش هزینه‌های آموزشی، بررسی نگرش خانواده کاربران دانش‌آموز یکی از مسائل مهم در پذیرش رایانه و استمرار استفاده از آن می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر پرسش‌های زیر را پاسخ خواهد داد:

۱- نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه برای آموزش زبان فرزندانشان چیست؟

۲- آیا میان نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه برای آموزش فرزندانشان با تحصیلات و وضعیت اشتغال آنها ارتباطی وجود دارد؟

۳- آیا میان نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه برای آموزش فرزندانشان با سن مادران و تعداد فرزندان ارتباطی وجود دارد؟

روش

این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است و هدف آن بررسی نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه برای آموزش فرزندان می باشد.

جامعه آماری و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه مادران ایرانی متأهل و دارای فرزند می باشد. گروه نمونه شامل ۱۱۸ مادر است که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. میانگین سن گروه نمونه ۳۶/۶۸ (انحراف معیار = ۵/۵۹) می باشد. ۴۸/۳٪ از افراد نمونه (۵۷ نفر) دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. بیش از نیمی از افراد (۶۳ نفر) شاغل بوده و ۶۴/۴٪ از آنان (۷۶ نفر) بیش از دو فرزند داشتند.

ابزار گردآوری اطلاعات

برای سنجش نگرش مادران به استفاده از رایانه برای آموزش فرزندان با کمک رایانه از پرسشنامه محقق ساخت، استفاده گردید. پرسشنامه دارای ۱۲ گویه است که بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه بندی شده است. گویه‌های پرسشنامه براساس چارچوب نظری و مرور پیشینه تحقیق نوشته شده و سه جنبه نگرشی را در استفاده از رایانه در آموزش زبان مورد سنجش قرار می‌دهند: جنبه آموزشی، جنبه عاطفی و جنبه

اقتصادی. همه گویه‌ها در جهت مثبت نوشته شده و نمره حاصل بیشتر نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر پاسخ‌دهندگان می‌باشد.

اعتبار و روایی

جهت محاسبه اعتبار ابزار از روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرانباخ استفاده گردید. آلفای محاسبه شده برابر ۰/۸۵ می‌باشد که عدد قابل قبولی است.

برای محاسبه روایی سازه ابزار از روش تحلیل عامل استفاده شد. ابتدا آزمون KMO و بارتلت انجام شد. اندازه KMO برابر ۰/۸۴ و مقدار بارتلت معنی‌دار حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است (جدول ۱).

جدول شماره ۱: آزمون KMO و بارتلت

مقدار KMO	مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۸۴	۴۴۳/۸۲	۶۶	۰/۰۰۰

متغیرهای موجود در ابزار شامل سه عامل است که بعد از چرخش وریماکس به‌دست آمده‌اند و در مجموع تبیین‌کننده بیش از ۵۹ درصد از واریانس سازه هستند (جدول ۲).

جدول شماره ۲: عوامل استخراج شده

ردیف	عامل‌ها	تعداد گویه-ها	مقدار ویژه	واریانس	فراوانی تجمعی
۱	آموزشی	۴	۴/۶۸	۳۸/۹۹	۳۸/۹۹
۲	عاطفی	۳	۱/۳۴	۱۱/۲۰	۵۰/۱۹
۳	اقتصادی	۵	۱/۱۵	۹/۶۱	۵۹/۸۱

یافته‌ها

جدول شماره سه نشان‌دهنده نگرش گروه نمونه به استفاده از رایانه برای آموزش زبان است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد میانگین نگرش مادران نسبت به استفاده از رایانه در آموزش زبان به ترتیب مربوط است به جنبه آموزشی، اقتصادی و عاطفی.

برای پاسخ به سوال اول و بررسی مثبت بودن نگرش کلی مادران و سه جنبه در نظر گرفته شده در قیاس با میانگین نظری (۳) از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۳) خلاصه شده است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

شاخص‌های آماری / متغیرها	تعداد	میانگین تجربی	تفاوت میانگین با میانگین فرضی	انحراف معیار	درجه آزادی	آمار t	سطح معناداری
۱- جنبه آموزشی	۱۱۸	۳/۷۲	۰/۷۲	۰/۷۳	۱۱۷	۱۰/۶۶۲	۰/۰۰۰*
۲- جنبه عاطفی	۱۱۸	۳/۰۴	۰/۰۴	۰/۷۴	۱۱۷	۰/۶۴۸	۰/۵۱۸
۳- جنبه اقتصادی	۱۱۸	۳/۶۰	۰/۶۰	۰/۹۲	۱۱۷	۷/۰۷۰	۰/۰۰۰*
۴- کل پرسشنامه	۱۱۸	۳/۴۶	۰/۴۶	۰/۶۴	۱۱۷	۷/۷۸۴	۰/۰۰۰*

* در سطح معناداری $p < 0/05$

نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که اختلاف میانگین تجربی و میانگین نظری (۳) نگرش کلی مادران معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور کلی مادران نسبت به استفاده از رایانه در آموزش زبان نگرشی مثبت دارند. این اختلاف در مورد جنبه آموزشی استفاده از رایانه نیز معنی‌دار است و نشان می‌دهد که از دیدگاه مادران ایرانی استفاده از رایانه می‌تواند بر یادگیری زبان انگلیسی موثر باشد. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در مورد جنبه اقتصادی استفاده از رایانه نیز نشان می‌دهد که اختلاف میانگین تجربی و میانگین نظری

معنی دار است و بیانگر این موضوع است که از دیدگاه مادران ایرانی یادگیری با رایانه می‌تواند منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌ها گردد (جدول ۳).

اما در مورد جنبه عاطفی، اختلاف میانگین تجربی و میانگین نظری معنادار نیست و این بدان معنا است که مادران نسبت به جنبه عاطفی رایانه نگرشی مثبت ندارند. اما نگرش آنان منفی نیز نیست.

جدول شماره ۴: آمار توصیفی نگرش مادران با توجه به تحصیلات و اشتغال

انحراف معیار	میانگین	عوامل	شاخص های آماری گروه ها
۰/۷۰۳	۳/۷۶۰	آموزشی	با تحصیلات دانشگاهی
۰/۷۱۷	۳/۲۲۳	عاطفی	
۰/۸۹۰	۳/۶۴۹	اقتصادی	
۰/۶۲۷	۳/۳۷۵	کل	
۰/۷۷۷	۳/۶۹۴	آموزشی	دیپلم
۰/۷۳۸	۲/۸۷۷	عاطفی	
۰/۹۵۵	۳/۵۵۴	اقتصادی	
۰/۶۴۲	۳/۵۴۴	کل	
۰/۸۱۹	۳/۷۶۱	آموزشی	شاغل
۰/۷۹۳	۲/۹۴۴	عاطفی	
۰/۹۷۳	۳/۵۸۷	اقتصادی	
۰/۶۷۰	۳/۴۳۱	کل	
۰/۶۴۲	۳/۶۸۵	آموزشی	خانه دار
۰/۶۷۵	۳/۱۵۹	عاطفی	
۰/۸۶۷	۳/۶۱۴	اقتصادی	
۰/۶۰۲	۳/۴۸۶	کل	

برای یافتن پاسخ پرسش دوم این پژوهش و بررسی ارتباط بین نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه برای آموزش فرزندانشان در منزل و میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال مادران از آزمون تی مستقل استفاده شد.

جدول ۴ نشان‌دهنده میانگین و انحراف معیار نگرش کلی مادران و هر سه جنبه با در نظر گرفتن تحصیلات و اشتغال است.

برای مقایسه نگرش کلی مادران و سه جنبه نگرش با در نظر گرفتن دو گروه دارای تحصیلات دانشگاهی و دیپلمه و همچنین شاغل و خانه‌دار از آزمون تی مستقل استفاده شد (جدول ۵).

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه نگرش مادران با توجه به تحصیلات و اشتغال

شاخص‌های آماری	عوامل	آماره t	سطح معناداری
تحصیلات (دو گروه دیپلمه و دارای تحصیلات دانشگاهی)	آموزشی	۰/۴۸۷	۰/۶۲۷
	عاطفی	۲/۵۸۳	*۰/۰۱۱
	اقتصادی	۰/۵۵۸	۰/۵۷۸
	کل	۱/۴۴۹	۰/۱۵۰
اشتغال (دو گروه شاغل و خانه‌دار)	آموزشی	۰/۵۵۸	۰/۵۷۸
	عاطفی	۱/۵۶۹	۰/۱۱۹
	اقتصادی	۰/۱۵۹	۰/۸۷۴
	کل	۰/۴۷۶	۰/۶۴۱

نتایج آزمون تی با در نظر گرفتن میزان تحصیلات نشان داد که نگرش کلی مادران با یکدیگر متفاوت نیست. اما این نگرش در جنبه عاطفی متفاوت است بدین معنی که مادران با تحصیلات دانشگاهی نسبت به ارزش عاطفی استفاده از

رایانه در آموزش نگرش مثبت‌تری دارند (میانگین = ۳/۲۲). اما در جنبه‌های آموزشی و اقتصادی هیچ ارتباط معناداری بین میانگین دو گروه مشاهده نشد. همچنین نتایج آزمون تی با در نظر گرفتن وضعیت اشتغال نشان داد که هیچ تفاوتی بین نگرش کلی و جنبه‌های نگرش بین مادران شاغل و خانه‌دار وجود ندارد.

برای یافتن پاسخ پرسش سوم و ارتباط بین سن و تعداد فرزندان با نگرش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که هیچ ارتباط معناداری بین سن، تعداد فرزندان و نگرش و جنبه‌های آن وجود ندارد (جدول ۶).

جدول شماره ۶- ضریب همبستگی بین متغیرها

نگرش	سن	تعداد فرزندان
آموزشی	-۰/۰۶۷	-۰/۰۹۰
عاطفی	۰/۰۲۲	-۰/۱۳۱
اقتصادی	-۰/۰۲۵	-۰/۰۵۹
کل	-۰/۰۳۰	-۰/۰۹۴

بحث و نتیجه‌گیری

از نتایج به دست آمده مبتنی بر سه پرسش اساسی مطرح شده در این تحقیق موارد زیر را می‌توان استنباط و تفسیر کرد:

در پاسخ به پرسش اول، بررسی نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه در آموزش زبان انگلیسی فرزندان نشان داد که به‌طور کلی نگرش مادران به استفاده از رایانه در آموزش زبان مثبت است. این یافته برخلاف یافته اکسمن و راتیاینن (۲۰۰۳) است که معتقدند مادران به‌طور کلی نسبت به فناوری نظر مساعدی ندارند. این نگرش نسبتاً مثبت بزرگترین سرمایه‌ای است که سیاست‌گذاران بخش آموزش کشور می‌توانند از آن بهره ببرند. زیرا یکی از

عوامل موثر در تشویق و استمرار دانش‌آموزان و استمرار بهره‌گیری از فناوری در فرآیند یادگیری نگرش مثبت خانواده‌ها نسبت به مزایای استفاده از فناوری در آموزش است (میلیسن و درنت، ۲۰۰۸). همچنین این نگرش می‌تواند به رواج فرهنگ آموزش الکترونیکی در خانواده‌ها و جامعه ایرانی کمک شایانی نماید (شعبانی و مختاری، ۱۳۸۷). البته میانگین نگرش (۳/۴۶) نشان می‌دهد که این نگرش هنوز به تقویت نیاز دارد که با برنامه‌ریزی در برگزاری دوره‌های آموزشی امکان‌پذیر است.

نگرش مادران به جنبه آموزشی استفاده از رایانه نیز مثبت است (میانگین = ۳/۷۲) ولی نگرش آنان نسبت به جنبه عاطفی فناوری مثبت نیست، هر چند که این نگرش منفی نیز نیست (میانگین = ۳/۰۴). به عبارت دیگر با وجود اعتقاد مادران به اینکه رایانه می‌تواند یادگیری فرزندان را افزایش دهد اما آنها هنوز نسبت به ارزش‌های عاطفی رایانه نظر مثبتی ندارند. این امر ممکن است به عدم تجربه کافی به استفاده از رایانه مادران (براون، فولر و ویسیان، ۲۰۰۴)، اضطراب ناشی از استفاده از رایانه آنان (اکسمن و راتیاینن، ۲۰۰۳) یا عدم آگاهی مادران به دیگر فوائد رایانه (هارتزل، ۲۰۰۳) مربوط باشد. با این وجود نتایج این بخش نشان می‌دهد که مادران ایرانی به ارزشمندی رایانه برای یادگیری زبان تا حدی معتقدند و این مسأله می‌تواند قطعاً در ورود رایانه به حیطه‌های آموزشی در خانواده تاثیر بگذارد و رایانه را از یک وسیله تفریحی خارج کند.

علاوه بر این، نگرش مادران ایرانی به استفاده از رایانه در آموزش خانگی زبان انگلیسی فرزندان در جهت صرفه‌جویی نشان داد که این نگرش مثبت است (میانگین = ۳/۶۰) و این بدین معناست که مادران اذعان دارند که رایانه به عنوان یک ابزار فناوری می‌تواند در کاهش هزینه‌های خانواده موثر باشد. این امر

نشان‌دهنده آگاهی نسبی مادران نسبت به کاربردهای فناوری اطلاعات جهت صرفه‌جویی در هزینه‌هاست.

پاسخ پرسش دوم نشان داد که میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال تفاوتی در نگرش کلی مادران نسبت به فناوری ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، در نظر گرفتن سطح تحصیلات مادران مشخص کرد که این نگرش فقط در جنبه عاطفی میانگین دو گروه متفاوت است. این امر نشان می‌دهد که مادران تحصیل کرده که به نظر آشنایی بیشتری با رایانه دارند در مورد فوائد عاطفی رایانه در آموزش برای ایجاد محیط آرام برای یادگیری و کاهش استرس دانش آموزان از آگاهی بیشتری برخوردارند. علت این امر شاید مربوط به تجربه بیشتر مادران با تحصیلات دانشگاهی در زمینه فناوری باشد (میلیسزوسکا و اتندور، ۲۰۱۰).

از طرفی وضعیت شغلی مادران هیچ ارتباط معناداری با جنبه‌های نگرشی آنان ندارد و تقریباً هر دو گروه از نگرش متوسطی برخوردارند. این یافته ضرورت ایجاد دوره‌های آموزشی برای مادران را مورد تأکید قرار می‌دهد. از آنجا که خودکارآمدی فناوری اطلاعاتی مادران و نگرش آنان با تمرین و کارگاه‌های آموزشی قابل ارتقا است (هارتزل، ۲۰۰۳) برنامه‌ریزی برای مادران در مدارس و یا محیط‌های کار برای افزایش نگرش به فناوری، کاهش اضطراب، افزایش مهارت و بخصوص آشنایی با فواید فناوری امری ضروری است. علاوه بر این مدارس می‌توانند با فرهنگ‌سازی و ایجاد اعتماد در مادران نسبت به نرم‌افزارهای آموزشی زبان، آنان را با اهداف آموزش الکترونیکی که ارتقای دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان با به‌کارگیری برنامه‌ای به‌روز و مقرون به صرفه است آشنا سازند و بدین ترتیب زمینه استفاده دانش‌آموزان از آموزش‌های مبتنی بر رایانه را فراهم کنند.

بررسی پرسش سوم نیز نشان داد که هیچ ارتباطی بین نگرش مادران با سن و تعداد فرزندان آنان وجود ندارد. این یافته برخلاف یافته‌های پژوهشگران دیگر است که معتقدند افراد مسن‌تر نگرش منفی‌تری به رایانه دارند (رحیمی و یداللهی، ۱۳۹۰) و یا تعداد فرزندان که معمولاً شرایط اقتصادی خانواده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد باعث کاهش نگرش مثبت مادران به استفاده از فناوری می‌گردد (پارکولا، ۲۰۰۶). این یافته تأکید می‌کند که مادران با گروه‌های سنی مختلف و با وضعیت اقتصادی متفاوت به آموزش و آگاهی در مورد ارزش فناوری در آموزش فرزندان خود نیاز دارند.

پژوهش حاضر به بررسی میزان نگرش مادران ایرانی نسبت به استفاده از رایانه در آموزش زبان فرزندانشان پرداخت. علت این بررسی مغفول ماندن نقش مادران در برنامه‌های گسترش استفاده از فناوری در جامعه است. نتیجه نشان داد که مادران به‌طور کلی دارای نگرشی نسبتاً مثبت به استفاده از رایانه در آموزش هستند و این نگرش چندان با میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، سن و تعداد فرزندان آنان مرتبط نیست. بنابراین، به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر بر افزایش کار مفید با فناوری نسل جوان که خانواده و مادران هستند، در برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد نیاز به توجه بیشتری دارند. به‌عنوان مثال برنامه‌های آموزشی که در قالب کارگاه‌های آموزشی در مدارس و یا محل کارمادران قابل اجراست، ایجاد تسهیلات لازم برای دسترسی به رایانه برای تمام خانواده‌های ایرانی، افزایش سطح سواد و مهارت رایانه‌ای مادران و فرهنگ‌سازی و ایجاد اعتماد در مادران نسبت به کاربردهای فناوری در آموزش از اقداماتی است که برنامه‌ریزان می‌توانند به آنها بپردازند. نتیجه این آموزش‌ها ارتقای آگاهی مادران نسبت به فواید فناوری و پذیرش ابزار فناوری در منزل و نظارت بر استفاده مناسب از

فناوری توسط فرزندان است که از رفتارهای فناوری ناهنجار فرزندان مانند اعتیاد به اینترنت و وقت‌گذرانی در وب‌سایت‌ها یا استفاده از برنامه‌های نامناسب جلوگیری می‌کند.

منابع

- ۱- امین زاده، انوشه و سرمد، زهره؛ (۱۳۸۸)، "تکلیف مدرسه و پیشرفت تحصیلی: نقش تعدیل‌کننده سطح تحصیلات مادر و جنس دانش‌آموز". **فصلنامه روانشناسان ایرانی**. شماره ۶. صص ۵۵-۶۰.
- ۲- افشاری، زهرا و شیبانی، ایمان؛ (۱۳۸۳)، "بررسی اثر فناوری اطلاعات بر نابرابری جنسی (مطالعه مقطعی بین‌کشوری)". **مجله پژوهش‌های اقتصاد**، شماره ۶۶، صص ۱-۲۳.
- ۳- ترک، فاطمه؛ ملک‌پور، مختار؛ گلپور، محسن؛ (۱۳۸۷)، "تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به مادران بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان سوم تا پنجم ابتدایی". **دانش و پژوهش در روانشناسی**. شماره ۳۷. صص ۸۲-۶۵.
- ۴- حسینی، داوود و خضری، لیدا؛ (۱۳۸۸). "بررسی مقایسه‌ای میزان سازگاری دختران مدارس ابتدایی تبریز دارای مادران شاغل و غیرشاغل". **زن و مطالعات خانواده**. سال اول، شماره ۴، صص ۹۹-۱۱۴.
- ۵- درویزه، زهرا؛ (۱۳۸۲)، "بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران". **مطالعات زنان**. شماره ۳، صص ۲۹-۷.
- ۶- رحیمی، مهرک و یداللهی، سمانه؛ (۱۳۸۷)، "فناوری‌های نوین در آموزش و یادگیری واژگان". مقاله ارائه شده در اولین همایش دانشجویی روش‌های نوین آموزشی در نظام تعلیم و تربیت، آذر، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- ۷- رحیمی، مهرک و یداللهی، سمانه؛ (۱۳۹۰)، "رابطه اضطراب رایانه دانش‌آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درسی زبان انگلیسی". **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**. شماره ۳۹، صص ۷۴-۵۱.
- ۸- سلام‌زاده، امیرحسین؛ (۱۳۸۸)، **روزنامه دنیای اقتصاد**، مهر.

- ۹- شریفی، پرویز؛ نیکنام، ماندانا؛ گیوه‌چی، الناز؛ (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین نسلی". **خانواده پژوهی**. شماره ۷. صص ۴۷۹-۴۹۲.
- ۱۰- شعبانی‌نیا فریدون و مختاری، وحید؛ (۱۳۸۷)، **تحلیل و طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی**، انتشارات خائیران.
- ۱۱- شکوهی‌یکتا، محسن و پرند، اکرم؛ (۱۳۸۷)، "آموزش روش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی". **خانواده پژوهی**، شماره ۱۳، صص ۵-۱۶.
- ۱۲- صمدی، معصومه؛ (۱۳۸۶)، "بررسی ارتباط ادراک دختران از روش‌های تربیتی مادران، نگرش ریاضی و کارکرد آن" **مطالعات زنان**، سال ۵، شماره ۳، صص ۸۱-۹۴.
- ۱۳- عابدینی، علیرضا و فراهی، احمد؛ (۱۳۸۸)، **دانشگاه مجازی در ایران: مزایا و موانع**، مقاله پذیرفته شده در اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش الکترونیک، آذر، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۴- عباسی، محمد رضا؛ (۱۳۸۸)، "رایانه، فراهم کننده انقلاب آموزشی". **مجله رشد تکنولوژی آموزشی**، شماره ۸.
- ۱۵- فتحیان، محمد و مهدی‌نور، حاتم؛ (۱۳۸۶)، **مبانی و مدیریت فناوری اطلاعات**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

- 1- Albirini, A. (2006). Teachers' attitudes toward information and communication technologies: The case of Syrian EFL teachers. **Computers & Education**, 47, 373-398.
- 2- Belz, J. (2004). Learner corpus analysis and the development of foreign language proficiency. **System**, 32, 577-591.
- 3- Beatty, K. (2003). **Computers in the language classroom**. In D. Nunan (ed.). **Practical English language Teaching**, (pp. 247-266). New York: McGraw-Hill.
- 4- Brown, S., Fuller, R. , and Vician, R. (2004). Who's afraid of the virtual world? Anxiety and Computer Mediated Communication, **Journal of the Association for Information Systems**, 5, 99-107.
- 5- Colley A. & Comber, C. (2003). Age and gender differences in computer use and attitudes among secondary school students: what has changed? **Education Research**, 45, 155-165.

- 6- Cooper, J. (2006). The digital divide: the special case of gender. **Journal of Computer Assisted Learning**, 22, 320-334
- 7- Cooper J. & Weaver, K.D. (2003). **Gender and Computers: Understanding the Digital Divide**. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- 8- Davis, F. D. (1993). User acceptance of information technology: System characteristics, user perception and behavioral impacts. **International Journal of Man-Machine Studies**, 38, 475-87
- 9- Grass-Valazquez, A., Joyce, A., & Debry, M. (2009). **White paper: Women and ICT - Why are girls still not attracted to ICT studies and careers?** [Online] Available: http://blog.eun.org/insightblog/upload/Women_and_ICT_FINAL.pdf
- 10-Hanson-Smith, E. (2002). **Computer-assisted language learning**. In R. Carter & D. Nunan (eds.). *The Cambridge Guide to Teaching English to Speakers of Other Languages*, (pp. 107-119). Cambridge: CUP.
- 11-Hartzel, K. (2003). How self-efficacy and gender issues affect software adoption and use. **Commun ACM**, 46, 167-171.
- 12-Hou, W., Kaur, M., Kollodi, A., Lutters, W. G., Boot, L., Cotton, S.R., Morell, C., Ozok, A.A., & Tufekci, Z. (2006). **Girls don't waste time: Pre-adolescent attitudes toward ICT**. In proceedings of CHI '06: CUI '06 extended abstracts on Human factors in computing systems, Montreal, Quebec, Canada. New York: ACM Press, 875-880.
- 13-Kretchmar, M. (2002). Observant mother- child relationship across generation boundary patterns attachment and the transmission of care giving. **Journal of Family Process**, 64, 351-374.
- 14-Liu, M., Moore, Z., Graham, L., & Lee, S. (2003). A look at the research on computer-based technology in second language learning: A review of the literature from 1990-2000. **Journal of Research on Technology in Education**, 34, 250-273.
- 15-Miliszewska, I., & Sztendur, e. (2010). Interest in ICT Studies and Careers: Perspectives of Secondary School Female Students from Low Socioeconomic Backgrounds. **Interdisciplinary Journal of Information, Knowledge, and Management**, 5, 237- 260.
- 16-Meelissen, M., & Drent, M. (2008). Gender differences in computer attitudes: Does the school matter? **System**, 24, 969-985.

- 17-Oksman, V. & Rautiainen, P. (2003). **Perhaps it is a body part: How the mobile phone became an organic part of the everyday lives of Finnish children and teenagers.** In J. E. Katz (Ed.) *Machines that became us.* (pp. 293-308). New Brunswick, N.J: Transaction Publishers.
- 18-Parkkola, H. (2006). **Designing ICT for mothers: User psychological approach.** Jyvaskyla: Jyvaskyla University Printing House.
- 19-Poynton, T.A. (2005). Computer literacy across the lifespan: a review with implications for educators. **Computers in Human Behavior, 21,** 861-872.
- 20-Smith, B. (2003). The use of communication strategies in computer-mediated communication, **System 31,** 29-53.
- 21-Smith, L. B. (2000). The socialization of females with regard to a technology-related career: Recommendations for change. Meridian. **A Middle School Computer Technologies Journal, 3(2).** [Online] Available: [http://www.eric.ed.gov/ERICDocs/ data/ ericdocs2sql/ content_storage_01/0000019b/80/16/d9/c2.pdf](http://www.eric.ed.gov/ERICDocs/data/ericdocs2sql/content_storage_01/0000019b/80/16/d9/c2.pdf)